

اصل برائت (فرض بی‌گناهی) در امور کیفری

اصل برائت جزو اصول پذیرفته شده بین المللی و از اساسی‌ترین حقوق انسانی متهم است. طبق این اصل، همه‌ی افراد بی‌گناه محسوب می‌شوند مگر اینکه جرم منتسب به آنها اثبات شود. بنابراین متهم برای اثبات بی‌گناهی خویش لازم نیست دلیل بیاورد و این وظیفه‌ی مقام تعقیب‌کننده (دادستان و یا شاکی خصوصی) است که می‌بایست در یک مرجع بی طرف (دادگاه کیفری) با ارائه‌ی شواهد و مدارک کافی و با طی تشریفات قانونی، اتهام انتسابی به متهم را به اثبات برساند. بدیهی است در صورت عدم اثبات جرم، متهم تبرئه خواهد شد.

اصل ۳۷ قانون اساسی بر پذیرش این اصل در حقوق ایران اشاره می‌نماید: «اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم (بزه‌کار) شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».¹

¹ ماده‌ی ۴ قانون آئین دادرسی کیفری: «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.»

در این رابطه ماده‌ی ۱۱ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مصوب ۱۳۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مقرر می‌دارد: «هرکس که به بزه‌کاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دادرسی علنی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، جرم او قانوناً محرز گردد». همچنین بند ۳ از ماده‌ی ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کنوانسیون اروپایی حفظ و حمایت حقوق فرد و آزادی‌های اساسی مورخ ۱۹۵۰ نیز به این امر صراحت دارند.

حق دفاع

با وقوع هر «جرم»، دو حق روبروی هم قرار می‌گیرند: اول «حق جامعه و حق زیان‌دیده از جرم» (بزه دیده) و دوم «حق مظنون و متهم به ارتکاب جرم»؛ دادسرا به ریاست دادستان، مسئول دفاع از «حق جامعه و نیز حق زیان‌دیده از جرم» در مقابل مجرم است.

وقتی صحبت از «حق دفاع» است، منظور حقوقی است که قانون برای «مظنون و متهم به ارتکاب جرم» در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در دادگاه تا صدور حکم نهایی پیش‌بینی نموده است. در واقع حق دفاع مجموعه تضمین‌های قانونی است برای افرادی که در مظان اتهام قرار گرفته‌اند تا در طول دادرسی کیفری بتواند آزادی از خود دفاع کنند.

ممکن است این تصور اشتباه ایجاد شود که قواعد راجع به حق دفاع متهم، دفاع از جرم، از جانی و از تبهکار است. در حالیکه با توجه به پذیرش اصل برائت، هدف از مقررات حق دفاع این است که بی‌گناه از بزه‌کار تفکیک شود. در واقع حق دادرسی عادلانه (یا به طور خاص حق دفاع) تضمین‌کننده‌ی این است که افراد به صورت غیر قانونی و ناعادلانه تعقیب یا مجازات نشوند و حقوق انسانی و قانونی آنان نیز در تمام مراحل دادرسی رعایت شود.

به بیان دیگر حقوق دفاعی متهم مجموعه امکانات، امتیازات و تضمین‌هایی است که متهم در دادرسی منصفانه از آنها برخوردار خواهد بود تا بتواند در مقابل اتهام انتسابی (ادعایی که بر خلاف اصل برائت یا فرض بی‌گناهی است) در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع نماید.

[اتهام، برخلاف اصل برائت نیست! مجرم شناختن پیش از محاکمه برخلاف ... است]

ماده‌ی ۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قوانین آیین دادرسی کیفری را تضمین‌کننده‌ی حقوق «متهم»، «زیان‌دیده از جرم» و «جامعه» در طول دادرسی می‌داند.² از آنجا که در فرایند دادرسی کیفری، دادستان به عنوان مدعی العموم (در یک طرف دعوی) در برابر متهم (طرف دیگر دعوی)، از قدرت و اقتدار عمومی برخوردار است و طرف دیگر دعوا (متهم) در موقعیتی فرودست قرار دارد، اصل برائت کیفری تضمینی برای ایجاد تعادل و توازن میان طرفین دعوا به شمار می‌رود. بنابراین این می‌توان گفت رعایت برابری افراد در مقابل قانون و دسترسی متهم به وسایل لازم دفاعی از نتایج پذیرش اصل برائت است که می‌تواند به منع اعمال اجبار و شکنجه علیه متهم منجر شود و با تضمین حقوق متهم (از جمله حق سکوت)، مقام تعقیب‌کننده را مکلف به اثبات اتهام انتسابی علیه متهم کند.

² ماده‌ی ۱ قانون آیین دادرسی کیفری: «آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، زیان‌دیده از جرم و جامعه وضع می‌شود.»

مصادیق حق دفاع متهم:

الف) حقوق متهم در مرحله‌ی کشف جرم:

۱- احضار یا جلب قانونی و ممنوعیت تعقیب و توقیف خودسرانه‌ی متهم (اصل ۳۲ قانون اساسی):

فراخواندن متهم به ارتکاب جرم به روند دادرسی می‌بایست به موجب قانون صورت گیرد و به طریقی که قانون معین نموده انجام پذیرد و نمی‌توان فردی را بدون دلیل و توجیه قانونی و به صورت خودسرانه احضار، جلب، تعقیب و یا توقیف نمود.^۳ با عنایت به بند ۳ از ماده‌ی ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل، بازداشت اشخاص نباید به قاعده‌ای کلی تبدیل شود و می‌بایست به طور استثنایی و در حد امکان کوتاه باشد. در صدور قرار بازداشت باید تناسب آن با اهمیت جرم و شدت مجازات، دلایل و اسباب اتهام، احتمال فرار متهم و امکان امحای آثار جرم، سابقه‌ی متهم و وضعیت مزاجی و سن او در نظر گرفته شود.

۲- تفهیم اتهام به شخص متهم و آگاهی سریع متهم از اتهام انتسابی و ادله‌ی آن (اصل ۳۲ قانون اساسی و ماده‌ی ۵ قانون آئین دادرسی کیفری):

تفهیم اتهام، پایه و اساس حق دفاع متهم را تشکیل می‌دهد و بدون آن امکان دفاع برای متهم وجود ندارد، زیرا بدون اطلاع از اتهام و دلایل آن، تدارک دفاع مناسب امکان‌پذیر نخواهد بود.^۴ در همین راستا، متهم (یا وکیل او) حق دارد به تمام اوراق پرونده دسترسی داشته باشد و می‌بایست امکان تهیه‌ی کپی یا رونوشت از مدارک، مستندات، قرارها و آرای موجود در پرونده برای وی فراهم شود.

^۳ اصل ۳۲ قانون اساسی: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

^۴ ماده‌ی ۵ قانون آئین دادرسی کیفری: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.»

۳- حق سکوت (اصل ۳۸ قانون اساسی و ماده‌ی ۱۹۷ قانون آئین دادرسی کیفری):

متهم در برابر اتهام وارد شده حق دارد سکوت کند و می‌تواند از پاسخ دادن به سوالات در این مورد خودداری نماید. سکوت متهم نمی‌تواند دلیل یا نشانه مجرمیت یا بی‌گناهی وی تلقی گردد. ضابطان دادگستری و مقامات قضائی نمی‌توانند متهمی که از حق سکوت خود استفاده نموده را مورد فشار، آزار و شکنجه قرار دهند تا او را وادار به پاسخگویی نمایند.⁵



⁵ اصل ۳۸ قانون اساسی: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

ماده‌ی ۱۹۷ قانون آئین دادرسی کیفری: «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود.»

همچنین بند ۳ از ماده‌ی ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در این خصوص بیان می‌دارد: «هرکس متهم به ارتکاب جرمی شود حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده زیر برخوردار گردد: ... (ز) مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف کند.»

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، سند بین المللی دیگری است که در آن به حق سکوت متهم اشاره شده است. به موجب مواد ۵۶ و ۶۷ اساسنامه مزبور متهم مجبور به ادای شهادت یا اعتراف به مجرمیت نیست و می‌تواند سکوت اختیار کند، بدون اینکه این سکوت دلالت بر مجرمیت یا بی‌گناهی او داشته باشد.

ب) حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی

۱- حق دسترسی به وکیل (اصل ۳۵ قانون اساسی و مواد ۵، ۴۸، ۱۹۰، ۳۴۶ و ۳۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری):

حق داشتن وکیل و لزوم حضور مؤثر و فعالیت قانونی وکیل در دفاع از حقوق متهم به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی و در زمان بازجویی از متهم موجب تضمین حقوق قانونی و جلوگیری از تضییع حق دفاع متهم است. حضور وکیل در سیر دادرسی کیفری می‌تواند ضامن اجرای اصولی همچون اصل برائت، اصل احترام به حیثیت ذاتی افراد، اصل منع شکنجه و اصل ممنوعیت اخذ اعتراف به اجبار و زور باشد و حقوق متهم از جمله حق سکوت را تضمین نموده و از پذیرش و قبول اتهامات تلقینی و نیز استفاده از اقرار متهم بر ضد او جلوگیری نماید. همچنین وکیل در دادگاه با دفاع از حقوق متهم در برابر دادستان، اطمینان حاصل می‌کند که قدرت عمومی مطابق با اختیارات و تکالیف قانونی خود، حقوق اساسی متهم را شامل حق حیات و حق آزادی در روند دادرسی رعایت نموده و در نتیجه بین قوای طرفین دعوی توازن و تعادل ایجاد می‌نماید.

حق دسترسی به مساعدت حقوقی به متهم حق انتخاب وکیل مورد نظر خود را می‌دهد. همچنین می‌بایست در مواردی که متهم قادر به انتخاب وکیل نیست (مثلاً در مواردی که متهم توانایی مالی پرداخت هزینه استخدام وکیل را ندارد) به صورت رایگان از طرف دادگاه برای متهم وکیل تسخیری تعیین شود.⁶

⁶ اصل ۳۵ قانون اساسی: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یکساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد».

ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورتجلسه نوشته می‌شود.

تبصره ۱- سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود.
تبصره ۲- در جرایمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند.»

ماده ۳۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «در تمام امور کیفری، طرفین می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است.»

ماده ۳۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری: «متهم می‌تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیل را تعیین شود. دادگاه در صورت احراز عدم تمکن منقاضی، از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیکترین حوزه قضایی، برای متهم، وکیل تعیین می‌نماید. در صورتیکه وکیل درخواست حق‌الوکاله کند، دادگاه حق‌الوکاله او را متناسب با اقدامات انجام شده، تعیین می‌کند که در هر حال میزان حق‌الوکاله نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. حق‌الوکاله از محل اعتبارات قوه قضائیه پرداخت می‌شود.»

۲- حق همراهی مترجم در مرحله تحقیقات مقدماتی (مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ قانون آئین دادرسی کیفری):
اگر متهم زبانی را که مقامات قضایی در حین رسیدگی به آن تکلم می‌کنند نمی‌فهمد و یا نمی‌تواند به آن زبان تکلم کند، حق دارد به رایگان از مترجم استفاده کند. این اصل ضامن حق متهم در دسترسی به اطلاعات و آگاهی از علت دستگیری و اتهام انتسابی به خود است و یکی از شروط دفاع محسوب می‌شود، چرا که آگاهی دقیق از پرونده و دسترسی به اطلاعات آن، امکان اعتراض به دستگیری یا بازداشت غیرقانونی متهم را فراهم می‌آورد.⁷

۳- حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای دفاع (مواد ۵ و ۶ قانون آئین دادرسی کیفری):
اختصاص تسهیلات مورد نیاز و برخورداری متهم و وکیل وی از زمان کافی برای آماده سازی دفاع مناسب، از دیگر حقوق دفاعی متهم در روند دادرسی است. این حق ناشی از اصل «تساوی ابزار و امکانات» برای طرفین دادرسی است که به موجب آن متهم می‌بایست در برابر شکایت انجام گرفته و اتهامات وارده علیه خود، حق برخورداری از تسهیلات و زمان مناسب را جهت آماده سازی دفاع مؤثر داشته باشد. به عنوان مثال متهم باید زمان مناسب و امکانات لازم را جهت ارتباط محرمانه با وکیلش در اختیار داشته باشد.⁸

7 ماده‌ی ۲۰۰ قانون آئین دادرسی کیفری: «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست.»

ماده‌ی ۲۰۱ قانون آئین دادرسی کیفری: «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. چنانچه افراد مذکور قادر به نوشتن باشند، منشی شعبه سؤال را برای آنان می‌نویسد تا به طور کتبی پاسخ دهند.»

8 ماده‌ی ۵ قانون آئین دادرسی کیفری: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.»

ماده‌ی ۶ قانون آئین دادرسی کیفری: «متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذیربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.»

۴- مصونیت زندگی خصوصی متهم از تعرض، تفتیش و بازرسی و رعایت موازین قانونی و اخلاقی در زمان تحقیق از متهم، تفتیش و بازرسی (قواعد حاکم بر جمع آوری ادله علیه متهم) (مواد ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۱۰۲، ۱۳۷، ۱۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری):

در جرایم غیر مشهود^۹، ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها و بازرسی اشخاص و اشیاء، تنها با حکم خاص قضایی امکان پذیر است.

همچنین باز پرس مطابق قانون می‌بایست نسبت به نوشته ها و اشیاء متعلق به متهم که ارتباطی به اتهام وی ندارد، با احتیاط رفتار نماید تا موجب افشای مضمون و محتوای آنها نگردد و همچنین از بازرسی اشخاص، اشیاء و اماکنی که غیر مرتبط با موضوع اتهام هستند خودداری نماید.^{۱۰}

^۹ جرائم مشهود و غیر مشهود: بر اساس قوانین ایران جرائم به دو نوع مشهود و غیر مشهود تقسیم می‌شوند. جرائم مشهود یعنی جرائمی که مقابل چشمان ضابطان قوه قضائیه صورت می‌پذیرد و نهادهای بازداشت‌کننده می‌توانند بلافاصله مرتکب را بازداشت کنند. اما در جرائم غیر مشهود تنها با مجوز دادستان و فقط در صورتی که احتمال و ظن قوی بر ارتکاب جرم وجود داشته باشد، می‌توان فرد را بازداشت نمود.

^{۱۰} ماده ۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری: «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیر مشهود با اجازه مودی مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.»

ماده ۵۶ قانون آئین دادرسی کیفری: «ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکانهای غیر مرتبط با موضوع خودداری کنند.»

ماده ۵۸ قانون آئین دادرسی کیفری: «ضابطان دادگستری باید به هنگام ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، ضمن ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود، اصل دستور قضائی را به متصرف محل نشان دهند و مراتب را در صورتمجلس قید نمایند و به امضاء شخص یا اشخاص حاضر برسانند. در صورتی که این اشخاص از رؤیت امتناع کنند، مراتب در صورتمجلس قید می‌شود و ضابطان بازرسی را انجام می‌دهند.»

ماده ۱۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شود و یا دارای شاکی باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود.»

ماده ۱۳۷ قانون آئین دادرسی کیفری: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور باز پرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می‌شود.»

ماده ۱۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری: «از اوراق و نوشته ها و سایر اشیاء متعلق به متهم، فقط آنچه راجع به جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می‌شود. باز پرس مکلف است در مورد سایر نوشته ها و اشیاء متعلق به متهم با احتیاط رفتار کند و موجب افشای مضمون و محتوای غیر مرتبط آنها با جرم نشود، در غیر این صورت وی به جرم افشای اسرار محکوم می‌شود.»

۵ منع شکنجه (اصل ۳۸ قانون اساسی و ماده ۶۰ قانون آئین دادرسی کیفری):

هر گونه اجبار یا اکراه متهم در مرحله‌ی بازجویی به منظور اخذ اقرار یا اعتراف در مورد اتهام انتسابی ممنوع است. ممنوعیت شکنجه همچنین شامل ممنوعیت استفاده از کلمات موهن (توهین و فحاشی به متهم) در بازجویی، ممنوعیت طرح سوالات تلقینی یا اغفال کننده در بازجویی و نیز ممنوعیت طرح سوالات خارج از موضوع اتهام در جریان بازجویی می‌شود.^{۱۱} مطابق قانون اقرار متهم که در پاسخ به چنین سوالاتی به دست آمده باشد و نیز اظهارات متهم که ناشی از اجبار و اکراه باشد، به هیچ وجه معتبر نیست.

۶- ممنوعیت تحت نظر قرار دادن متهم بیش از ۲۴ ساعت بدون حکم قضایی (ماده ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری):

ضابطان دادگستری در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی حق ندارند متهم را بیش از ۲۴ ساعت تحت نظر قرار دهند. در جرائم مشهود چنانچه نگهداری متهم لازم باشد، ضابطان می‌بایست موضوع اتهام و دلایل خود را بلافاصله و به صورت کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و فوراً موضوع را به منظور کسب دستور و تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند.^{۱۲}

^{۱۱} اصل ۳۸ قانون اساسی: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

ماده ۶۰ قانون آئین دادرسی کیفری: «در بازجویی‌ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سوالات تلقینی یا اغفال کننده و سوالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سوالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورتمجلس قید شود و به امضاء یا اثر انگشت متهم برسد.»

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر داشته هیچ کس را نمی‌توان شکنجه کرد یا مورد عقوبت یا روش وحشیانه و غیر انسانی یا اهانت‌آمیز قرار داد. همچنین بر اساس ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازاتها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترذیلی قرار داد. مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایشهای پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است.

^{۱۲} ماده ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری: «ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.»

۷- حق ارتباط با خانواده (ماده ۵۰ قانون آئین دادرسی کیفری):

متهمی که در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی تحت نظر ضابطان دادگستری قرار دارد حق دارد که از طریق تلفن یا هر وسیله‌ی ممکن دیگر با افراد خانواده یا آشنایان خود تماس گرفته و آنان را از شرایط خود آگاه نماید.¹³

۸- حق درخواست معاینه‌ی پزشکی و کسب گواهی پزشکی (ماده ۵۱ قانون آئین دادرسی کیفری):

به منظور ثبت شرایط جسمی و یا روانی متهم در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، متهم یا یکی از بستگان وی حق دارند که از دادستان درخواست نمایند که متهم توسط پزشک منتخب از سوی دادستان معاینه شود. گواهی پزشکی صادر شده می‌بایست در پرونده ثبت گردد.¹⁴

۹- ممنوعیت کنترل ارتباطات مخابراتی، پستی متهم (مواد ۱۵۰ و ۱۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری):

تنها در موارد مرتبط با امنیت داخلی یا خارجی کشور و یا در صورتی که ظن قوی به کشف جرم یا دستیابی به دلایل وقوع جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد، تفتیش و بازرسی مراسلات پستی و کنترل ارتباطات مخابراتی متهم قابل توجیه است.¹⁵

¹³ ماده ۵۰ قانون آئین دادرسی کیفری: «شخص تحت‌نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت‌نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت‌نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در اینصورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضائی برسانند.»

¹⁴ ماده ۵۱ قانون آئین دادرسی کیفری: «بنا به درخواست شخص تحت‌نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت‌نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشکی در پرونده ثبت و ضبط می‌شود.»

¹⁵ ماده ۱۵۰ قانون آئین دادرسی کیفری: «کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲ این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده ۳۰۷ این قانون منوط به تأیید رئیس قوه قضائیه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد.»

ماده ۱۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری: «تفتیش و بازرسی مراسلات پستی مربوط به متهم در مواردی که عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد. در این صورت، بازپرس از مرجع مربوط می‌خواهد، این مراسلات را توقیف کند و نزد او بفرستد. در صورت عدم امکان توقیف، مرجع مربوط، این امر را به اطلاع بازپرس می‌رساند و از وی کسب تکلیف می‌کند. پس از وصول، بازپرس آنها را در حضور متهم یا وکیل او بررسی و مراتب را در صورتجلسه قید می‌کند و پس از امضای متهم، آن را پیوست پرونده می‌نماید یا در محل مناسب نگهداری می‌کند. استتکاف متهم از امضاء یا عدم حضور متهم یا وکیل او در صورتجلسه قید می‌شود. چنانچه اشیای مزبور حائز اهمیت نباشد و نگهداری آنها ضرورت نداشته باشد، با اخذ رسید به مرجع ارسال‌کننده یا به صاحبش مسترد می‌شود.»

ج) حقوق متهم در مرحله دادرسی

۱- مطابق اصول ۱۶۵ و ۱۶۶ قانون اساسی و مواد ۲ و ۳ قانون آئین دادرسی کیفری، کلیه مراحل دادرسی می‌بایست فوری و بدون تأخیر ناموجه، در دادگاهی مستقل و بی طرف، به صورت علنی و بر اساس قانون انجام پذیرد تا موجبات دادرسی عادلانه و احقاق حقوق متهم فراهم گردد.^{۱۶}

۲- در مورد اتهامات زنان، کودکان و نوجوانان و با توجه به شرایط خاص این متهمان و نیاز ویژه به حفظ و حمایت از حقوق این افراد، مواد ۳۱، ۴۲ و ۲۸۵ قانون آئین دادرسی کیفری شرایط و تضمینات خاصی را برای هر یک از مراحل رسیدگی به اتهامات آنان پیش‌بینی نموده است و ضابطان دادگستری و مراجع قضائی را به رعایت این اصول ملزم می‌نماید.^{۱۷}

^{۱۶} اصل ۱۶۵ قانون اساسی: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.»

اصل ۱۶۶ قانون اساسی: «احکام دادگاه‌ها باید مستقل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.»

ماده ۲ قانون آئین دادرسی کیفری: «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.»

ماده ۳ قانون آئین دادرسی کیفری: «مراجع قضائی باید بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاهترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.»

^{۱۷} ماده ۳۱ قانون آئین دادرسی کیفری: «به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه‌ای است که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه می‌شود.»

ماده ۴۲ قانون آئین دادرسی کیفری: «بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود.»

ماده ۲۸۵ قانون آئین دادرسی کیفری: «در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هجده سال به جز جرائم موضوع مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ این قانون که به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادرسی به عمل می‌آید. تبصره ۱- تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادرسی است انجام می‌دهد.

تبصره ۲- در جرائم مشهود، هرگاه مرتکب، طفل یا نوجوان باشد، ضابطان دادگستری مکلفند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علانم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی، موظفند متهم را حسب مورد، فوری به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست.

۳- حق همراهی مترجم در مرحله‌ی دادرسی (مواد ۳۶۷، ۳۶۸ قانون آئین دادرسی کیفری):

همانند مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، در مرحله‌ی دادرسی نیز اطلاع و آگاهی دقیق و بدون ابهام متهم از روند پرونده و سیر دادرسی، از تضمین‌های دادرسی عادلانه و یکی از شروط دفاع مؤثر متهم خواهد بود. لذا در صورتی که مقامات قضایی به زبانی غیر از زبان متهم تکلم می‌کنند و یا متهم به دلیل نقص فیزیکی قادر به دسترسی و آگاهی از اطلاعات مربوط به روند دادرسی نباشد، دادگاه وظیفه دارد مترجمی مورد وثوق تعیین نماید.¹⁸



¹⁸ ماده‌ی ۳۶۷ قانون آئین دادرسی کیفری: «دادگاه برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهده‌ی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به او، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست.»

ماده‌ی ۳۶۸ قانون آئین دادرسی کیفری: «دادگاه برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهده‌ی که ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود او را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. چنانچه افراد مذکور قادر به نوشتن باشند، منشی دادگاه سؤال را برای آنان می‌نویسد تا به طور کتبی پاسخ دهند.»

د) حقوق متهم پس از دادرسی و در مرحله اجرای حکم

۱- حق تجدیدنظر خواهی و اعتراض به رأی:

متهم حق دارد به اتهام منتسب شده به خویش و یا قرار یا حکم غیر قطعی صادر شده علیه خود اعتراض نماید. امکان بازبینی رأی صادر شده توسط مرجع قضایی بالاتر از مرجع صادر کننده قرار و یا حکم اولیه، جزو حقوق دفاعی متهم است و ضامن دادرسی عادلانه خواهد بود.¹⁹

۲- ممنوعیت تعقیب مجدد در صورت اجرای مجازات و یا برائت متهم:

پس از صدور حکم قطعی دادگاه صالح و اجرای مجازات صادر شده برای متهم و یا در صورتی که متهم در فرآیند دادرسی عادلانه و مطابق قانون بی‌گناه شناخته شود و جرم او به اثبات نرسد، دیگر نمی‌توان او را با همان عنوان اتهامی پیشین مورد تعقیب، احضار مجدد و یا مجازات قرار داد.²⁰

۳- حق اعاده‌ی حیثیت و جبران خسارات وارده به متهم در صورت برائت:

در بسیاری موارد دستگاه قضایی به بهانه حفظ نظم عمومی و اجرای عدالت کیفری در جامعه و بر خلاف اصل برائت، اقدام به بازداشت متهمان -یعنی افرادی که هنوز بزه منتسب به ایشان در دادگاه صالح رسیدگی نشده و به اثبات نرسیده است- می‌نماید. این امر چه در نتیجه ایراد و نقص در قانون صورت گیرد و چه بر اثر اشتباه قاضی انجام پذیرد، برای متهم حق اعاده حیثیت و جبران خسارت ایجاد خواهد کرد.²¹

¹⁹ بند ۵ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هرکس مرتکب جرمی اعلام بشود حق دارد که اعلام مجرمیت و محکومیت او به وسیله يك دادگاه عالیتر طبق قانون مورد رسیدگی واقع بشود.»

²⁰ بند ۷ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هیچ کس را نمی‌توان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادر شده طبق قانون آئین دادرسی کیفری آن کشور محکوم یا تبرئه شده است، مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد.»

²¹ ماده ۷ قانون آئین دادرسی کیفری: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۴/۴ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.»

بند ۶ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هرگاه حکم قطعی محکومیت جزائی کسی بعداً فسخ بشود یا يك امر حادث یا امری که جدیداً کشف شده دال بر وقوع يك اشتباه قضایی باشد و بالنتیجه مورد عفو قرار گیرد شخصی که در نتیجه این محکومیت متحمل مجازات شده استحقاق خواهد داشت که خسارت او طبق قانون جبران بشود مگر این که ثابت شود که عدم افساء به موقع حقیقت مکتوم کلا یا جزاً منتسب به خود او بوده است.»